

## بررسی تأثیر توانمندسازی ذهنی - روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار روستایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ه) بر معیشت پایدار روستاهای شهرستان ری

جواد نوری ثانی آبادی<sup>۱</sup>، شهره تاج<sup>۲\*</sup> و نصراله فلاح تبار<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه جغرافیا، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول، Email: shohrehtaj36@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۶ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

### چکیده

**مقدمه:** با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، برای دستیابی به توسعه ضروری است زنان مانند مردان در فرآیند توسعه مشارکت کرده یکی از نکات مهم در توانمندی افراد، درآمد است که خود موجب افزایش توانمندی در عرصه های غیردرآمدی، افزایش در بهره وری درآمدی و حتی به طور مستقیم تر، افزایش میزان مطلق درآمدی شود. رونق در وضعیت درآمدی با ارتقای دیگر شاخصهای کمی و کیفی در زمینه توانمندی همراه و همزاد است.

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بر معیشت پایدار روستاهای شهرستان ری می باشد.

**روش شناسی:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که روایی آن با استفاده از نظر جمعی از اساتید و متخصصان تأیید شد. تعیین پایایی ابزار تحقیق با انجام آزمون مقدماتی و با استفاده از نرم افزار SPSS و مقدار آلفای کرونباخ ۰.۸۹٪ به دست آمد. جامعه آماری زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد شهرستان ری می باشد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای مناسب تعداد ۳۱۳ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه در این پژوهش روستاهای شهرستان ری می باشد.

**یافته‌ها و بحث:** متغیرهایی که تأثیر آنها بر معیشت پایدار سنجیده شد؛ ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۵۲۰) نیز حاکی از وجود همبستگی قوی و مثبت بین دو متغیر است. بدین معنا که هرچه میزان توانمندی اجتماعی زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس. ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۵۵۷) نیز حاکی از وجود همبستگی قوی و مثبت بین دو متغیر است.

**نتیجه گیری:** بدین معنا که هرچه میزان توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس.

**کلیدواژه‌ها:** توانمندی اجتماعی، توانمندی ذهنی و روانی، متغیرهای زمینه‌ای، معیشت پایدار، شهرستان ری.

## مقدمه

یکی از نکات مهم در توانمندی افراد، درآمد است که خود موجب افزایش توانمندی در عرصه های غیردرآمدی، افزایش در بهره وری درآمدی و حتی به طور مستقیم تر، افزایش میزان مطلق درآمدی شود. رونق در وضعیت درآمدی با ارتقای دیگر شاخصهای کمی و کیفی در زمینه توانمندی همراه و همزاد است. هر چند لزوماً نمی توان افزایش در درآمد را به منزله ارتقای سطح توانمندی افراد در نظر گرفت (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴: ۲). مطابق با آراء «سن» برای درک از مفهوم توانمندی باید مفهوم «عملکرد» را درک نمود. «سن» معتقد است عملکردها نشان دهنده چیزهایی است که انجام آنها یا دستیابی به آنها برای فرد ارزشمند است. عملکردها از مقولات فراگیر و اولیه ای همچون تغذیه کافی و سلامت جسمی تا فعالیتها و مطلوبیتهای پیچیده ای همچون مشارکت اجتماعی و برخورداری از احترام را شامل میشود. بر این اساس توانمندی هر فرد عبارت خواهد بود از: «امکان انتخاب بین ترکیب های مختلفی از عملکردها». مطابق با تعریف «سن» توانمندی نه صرفاً داشتن و دسترسی به سطوح بالایی از برخورداریهای مختلف، بلکه در بهره مندی از آزادی انتخاب بین عملکردهای مختلف در حوزه های گوناگون زندگی است که در کنار هم، شیوه مطلوب زندگی از دیدگاه فرد را به تصویر میکشند، تصویری که در شکل گیری آن آگاهی فرد نقش تعیین کننده ای داشته است. می توان متغیرهای دیگری با توانمندی در نظر گرفت (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱).

مفهوم قدرت رابطه تنگاتنگی با توانایی و گزینش دارد. توانمندسازی را می توان گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه هایی دانست که پیش تر این توانایی از آنها دریغ شده است. دیدگاه های گوناگون نشان می دهند که توانمندی از سه گانه «عاملیت»، «منابع» و «دستاوردها» بهره می گیرد. از این منظر؛ «منابع» به وجود آورنده شرایطی هستند که انتخاب تحت تأثیر آن اتفاق می افتد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). «عاملیت» در واقع نمایانگر اصلی و به نوعی قانون فرآیند گزینش است و «دستاوردها» معرف نتایج برآمده از انتخاب های مختلف هستند. به عبارت دیگر؛ ابعاد سه گانه توانمندی با یکدیگر روابطی متقابل دارند. به طوری که تغییر در هر یک از آنها می تواند هدایتگر تغییرات در ابعاد دیگر باشد. آنچه که در یک دوره به عنوان دستاورد حاصل از جریان یابی عاملیت آشکار شده است، در مقطعی دیگر می تواند در حکم منابع لازم برای جریان یابی مجدد عاملیت و حصول دستاوردهای بیشتر عمل کند. عکس این حالت نیز صادق است یعنی کاستی در بروز و ظهور هر یک از این سه می تواند مانع از تحقق شایسته ابعاد دیگر شود. «بسیاری از منابع، مصادیق عاملیت و دستاوردها به عنوان شاخص های توانمندسازی؛ همپوشانی قابل توجهی با تعدادی از شاخص های شناخته شده برنامه های توسعه ای دارد (ریاحی و نوری، ۱۳۹۳: ۱). مانند برابری در دسترسی به بهداشت، آموزش، وام و اعتبار، زمین و مالکیت، فرصت های معاش و اشتغال و غیره. که نمی توان منکر آن شد. در عین حال هر چند تکیه بر شاخص ها و مطلوبیت های ذکر شده امکان سنجش را تسهیل می نماید، اما تنها در صورتی می توان نقش آفرینی و ارتباط آن ها با توانمندی را مورد تأیید قرار داد که به نحوی از انحاء مشخص گردد هر یک از آنها در یک زمینه اجتماعی و فرهنگی معین چگونه و تا چه حد به زنان یا هر گروه هدف دیگری این امکان را می بخشند که دست به انتخاب های خاص خودشان بزنند». توانمندسازی بویژه توانمندی زنان می تواند در معیشت پایدار نقش عمده ای ایفا نماید. اما چگونه این امکان میسر می گردد؟ مطالعات نظری، برنامه ریزی ها و اقداماتی که در زمینه توانمندسازی و یا هر هدف اجتماعی دیگر با محوریت زنان صورت می پذیرد با دو مسأله دشوار مواجه اند. اول این که زن بودن قاعداً در طول دیگر عوامل مسأله ساز همچون فقر، معلولیت، بیماری های صعب العلاج، قومیت، نژاد، مذهب و غیره تعریف می شود. به عبارت دیگر زمانی که زن بودن به عنوان متغیر تمایز بخش مدنظر قرار گرفته باشد، گروه مورد مطالعه مشتمل بر افرادی خواهد بود که به احتمال زیاد تحت تأثیر عوامل آسیب زای دیگری نیز قرار دارند. دوم این که زن بودن ترکیبی پیچیده از پیوندهای ضعیف و قوی بین جنبه های بیولوژیک و تعریف های ارائه شده برای نقش های بنیادین اجتماعی (مانند نقش مادری، همسری و فرزندی) است که عمدتاً در بستر نهاد خانواده تجلی می یابد. به عبارت دیگر ویژگی های نهاد خانواده و عناصر ساختاری و فرهنگی مقوم این ویژگی ها است، که در هر نظام اجتماعی تعیین کننده تهدیدها و فرصت های متناظر با زن بودن به مثابه یک موقعیت اجتماعی

است (مالوتره، بوند و شولر ۱۳۸۹: ۱۵۶). الگوهای معیشت پایدار برخی تفاوت های مهم را در برمی گیرند و همگی اصول پایه ای یکسان و مشترکی با یکدیگر دارند. این الگو؛ فرآیندها و اثرات اصلی موجود در تحولات و پایداری معیشتی را مورد توجه قرار می دهد و بر اهمیت بسیار پویا و تکاملی معیشت تاکید می کند و توجه به این نکته که مردم جامعه در مرکز این الگو قرار می گیرند. به طور عادی یک سیستم معیشت پایدار شامل پنج عنصر کلیدی می باشد. شامل: ۱- دارایی های معیشتی، ۲- ساختارها و فرآیندهای در حال تحول، ۳- آسیب پذیری ها، ۴- نتایج معیشتی، ۵- استراتژی ها و یا فعالیت های معیشتی، در واقع چارچوب های معیشت پایدار مختلفی برای تسهیل کردن کاربرد رویکرد معیشت پایدار در عمل ایجاد شده است. در این رویکرد، معیشت به مفهوم تفکر در مورد دسترسی به دارایی ها و مدیریت برای نگهداری آنها است. معیشت به معنی زندگی وزنده بودن، توانایی ها، دارایی ها و فعالیت هایی است که برای زندگی وزنده بودن مورد نیاز است. به عبارت دیگر؛ اساس توسعه انسانی و توسعه اقتصادی بر معیشت استوار است. معیشت چیز بی بیشتر از شغل است. معیشت برای رسیدن به توسعه است. مباحثه بر فقر، پایداری، سیستم های معیشتی و تنوع بخشی آنها و تمرکز و تاکید بر فرآیند مشارکت و ماهیت فقر، منجر به رسمیت رویکرد معیشت پایدار شد. معیشت زمانی پایدار است که بتواند باشوک ها و استرس ها را مقابله کند و یا آنها را بهبود بخشد و همچنین توانایی ها و دارایی های خود را در حال و آینده حفظ کند و یا آن را افزایش دهد و در عین حال منابع طبیعی پایه را تضعیف نکند. رویکردی که در آن این مولفه ها در نظر گرفته شود. ۱- سرمایه انسانی (مهارت، آموزش و سلامت)؛ ۲- سرمایه فیزیکی (ابزار، تجهیزات، وسایل حمل و نقل و بازار فروش)؛ ۳- سرمایه مالی (پول، پسان دازها، دسترسی به وام و قرض)؛ ۴- سرمایه طبیعی (زمین، آب و دام)؛ ۵- سرمایه اجتماعی (شبکه ها و اتحادیه ها). تقسیم می شوند که اعضای خانواده آن دسترسی دارند یا مالک آن هستند. چمبرز معیشت پایدار را به عنوان یک سطح از ثروت، سرمایه و جریان غذا و پول نقد که برای رفاه فیزیکی و اجتماعی و امنیت و جلوگیری از فقیر شدن لازم است، تعریف کرده است (قیداری و همکاران، ۱۳۹۵). در بحث توانمندسازی زنان «تقویت توانایی زنان سرپرست خانوار در زمینه تأمین معیشت پایدار برای خود و افراد تحت پوشش شان» و به دنبال آن «ارتقاء توانایی ایشان در اداره و مدیریت خانواده» دارای اهمیت شمرده می شود که در کنار هم معرف «توانمندی برای سرپرستی خانوار» است. در واقع شاخص مذکور معرف دستاورد اصلی متصور برای افراد مورد مطالعه در فرایند توانمندسازی بوده است. در مقام شناسایی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (توانمندی سرپرستی خانوار)، علاوه بر ویژگی های زمینه ای، توانمندی فرد در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و ذهنی - روانی می بایست مورد توجه قرار بگیرد (ریاحی و نوری، ۱۳۹۳: ۱). این مفهوم سازی ها تلاش می کنند تا طبیعت توسعه معیشت پایدار را تعریف نموده و اجزا و همچنین روابط میان آنها را تشخیص دهد. در حالی که هر یک از این الگوهای معیشت پایدار برخی تفاوت های مهم را در بر می گیرند و همگی اصول پایه ای یکسان و مشترکی با یکدیگر دارند (shen, 2000: 122). بیان شکلی این چارچوب ها توسط سازمان های مختلف و افراد گوناگون ارائه شده است که مشهورترین آنها چارچوب دپارتمان توسعه بین المللی DFID چارچوب معیشت پایدار است که یک ساختار تحلیلی برای تسهیل درک وسیع سیستماتیک عوامل متعددی که فرصت های معیشتی را کنترل می کند یا افزایش می دهد و بیان چگونگی ارتباط اینها با یکدیگر است. طبق گفته کارنی چارچوب دپارتمان توسعه بین المللی DFID تعریف چمبرز و کانوی ۱۹۹۱ از معیشت را در اختیار گرفته و بیان می کند که راه های بسیاری برای به کار بردن رویکردهای معیشتی وجود دارد (Tacoli, 2004). دپارتمان توسعه بین المللی بیان می کند که این چارچوب نمایش مفهومی از عوامل اصلی که معیشت افراد را تشکیل داده و روابط پویایی میان این جنبه ها و عوامل است و این الگو را به عنوان چک لیستی که برای مسائل مهم مربوط به معیشت عمل می کند، معرفی می نماید (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴: ۲).. این الگو همچنین فرآیندها و اثرات اصلی موجود در تحولات و پایداری معیشتی را مورد توجه قرار می دهد. در آخر، بر اهمیت بسیار پویا و تکاملی معیشت تاکید می کند و توجه به این نکته که مردم جامعه در مرکز این الگو قرار می گیرند. الگوهای معیشت پایدار دپارتمان توسعه بین المللی DFID مردم را در حال فعالیت در یک بستر آسیب پذیری نگاه می کند. در این الگو مردم دارای اختیاراتی در درون این بستر

برای استفاده کردن از دارایی های خاصی که می تواند به آنها در کاهش فقر کمک کند هستند که دارای یکسری ساختارها و فرآیندها می باشد (Mayser, 2003: 20).

اکثر چارچوب های معیشت پایدار جنبه های مشابه ای را در اختیار گرفته اند، ولی بر اساس زمینه و بافتی که برای آن استفاده می شوند، تفاوت هایی نیز دارند و دارای تاکیده های متفاوتی می باشند. برای مثال در چارچوب ارائه شده توسط اسکونز تاکید بیشتر بر روی ساختارها و فرآیندها می باشد که در ماتریسی از سازمان ها و نهادهای رسمی و غیر رسمی جای گرفته اند، می باشند که توانایی به انجام رساندن این استراتژی های معیشتی و بدست آوردن (یا نیاوردن) نتایج خاص معیشتی مداخله می کنند. اسکونز بیان می کند که الگوی موسسه مطالعات توسعه IDS می تواند در انواعی از سطوح مختلف شامل افراد، خانوارها، روستاها، قوم ها، جوامع، مناطق یا ملت ها به کار برده شوند.

نتایج معیشتی به طور سنتی در سطوح خانوار و افراد مورد بحث و اندازه گیری بوده است. علاوه بر این، مفهوم پایداری بر طبق گفته اسکونز ۱۹۹۸ می تواند در رسیدن به نتایج معیشتی، نشانده شود. در نتیجه می توان تقابل میان نتایج معیشتی خانوار و فرد را بررسی کرد. به طور کلی، برداشت های متعددی از رویکرد معیشت پایدار وجود دارد. به طور عادی یک سیستم معیشت پایدار شامل پنج عنصر کلیدی می باشد. دارایی های معیشتی، ساختارها و فرآیندهای در حال تحول، آسیب پذیری ها، نتایج معیشتی، استراتژی ها و یا فعالیت های معیشتی، در واقع چارچوب های معیشت پایدار مختلفی برای تسهیل کردن کاربرد رویکرد معیشت پایدار در عمل ایجاد شده است. عناصر این چارچوب های معیشت پایدار ممکن است تفاوت کمی داشته باشد اما اصول کلیدی مهمی هستند. اشلی و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه ی خود چهار زمینه ی کلیدی را برای ارزیابی معیشت خانوارهای روستایی مورد توجه قرار داده اند که می تواند در مطالعه ی معیشت خانوارهای زنان سرپرست نیز مورد توجه قرار گیرند. این زمینه ها عبارتند از:

**اقتصاد خانواده:** در این بخش باید مشخص نمود که در سطح خانوار چه کسی چه کاری را انجام می دهد، چه درآمدی را به دست می آورد و چه دارایی هایی را تحت تملک دارد. از این دیدگاه، خانوار یک واحد اقتصادی و منبع درآمد و ثروت تلقی می شود و انگیزه ها و ترجیحات اقتصادی درونی از یک سو و فشارهای بیرونی موثر بر اقتصاد خانواده از سوی دیگر مورد تحلیل قرار می گیرد.

**تغییر در معیشت:** در ارزیابی معیشت باید به فرآیندهای موثر بر تغییر معیشت و اینکه چگونه می توان به مرور زمان یک خانوار را از فقر نجات داد، توجه نمود. در این بخش علل تغییر، موانع تغییر و شیوه پاسخگویی خانوارها به این تغییرات در دراز مدت را باید مطالعه کرد. علل تغییر معیشت گاهی منشاء درون خانواری مانند پیرگرایی، تولد و رشد فرزندان، انتخاب و ترجیحات افراد در تصمیم گیری دارند. برخی از علل تغییر معیشت نیز مانند تغییر در محیط، بازار، سیاست دولت، فرهنگ و روابط سیاسی و اجتماعی بیرونی هستند. همچنین گاهی این علت ها خیلی سریع به وقوع می پیوندند مانند تغییر قیمت ها که شوک اقتصادی به خانواده ای وارد می کند و برخی در روند تحولات توسعه کشور به وقوع می پیوندند. با ارائه آگاهی لازم به خانوارهای مذکور و فراهم نمودن امکانات لازم می توان توانمندی آن ها برای مدیریت این تغییرات را بهبود بخشید. در مدیریت ریسک این خانوارها می توانند راهبرد پیش گیری (بیمه) و یا مقابله (تغییر شغل، کاهش مصرف، افزایش ساعت کاری و...) را در پیش گیرند.

**تنوع بخشی به معیشت:** فرد یا خانواری که وابسته به یک الگو معیشتی متنوع است معمولاً در طول سال یا هفته و یا حتی روز درگیر فعالیت های اقتصادی گوناگونی می باشد. بسیاری از خانوارهای فقیر الگوی معیشت متنوع را می پذیرند تا از ریسک ناخواسته در امان باشند. گاهی این تنوع بخشی مثبت است یعنی فعالیت اقتصادی جدید درآمدی بیش از سایر فعالیت های اقتصادی جاری در سطح خانوار ایجاد می کند. گاهی هم تنوع بخشی منفی است که در طی آن فعالیت های اقتصادی جدید درآمد کمتری از فعالیت های اقتصادی جاری ایجاد می کند (طاهرخوانی، ۱۳۷۹: ۲۱). بر همین اساس با توجه به اینکه مورد مطالعه تحقیق حاضر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان ری می باشد بایست اشاره کرد؛ در حال حاضر ۳ هزار خانوار در کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر ری تحت پوشش هستند که سرپرست خانوار ۸۰ درصد این خانوارها زن می باشد و ۲۰ درصد این خانوارها نیز

ساکن روستا هستند. راه های کسب معاش و تنوع زمینه های معیشتی خانوارهای روستایی و فقیر، امری بسیار پیچیده و مطالعه ی آن مستلزم توجهات خاص و ویژه ای می باشد. کمیته امداد امام(ره) نیز در این زمینه گام های موثری برداشته و برخی از استراتژی های آن محقق شده است.

بر این اساس فرضیه های ذیل در جهت ارزیابی اهداف پژوهش مطرح میگردند:

۱. بین توانمندی اجتماعی و توانایی تامین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد ۲. بین توانمندی ذهنی - روانی و توانایی تامین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد ۳. بین ویژگی های زمینه ای ( سن، تحصیلات و...) و توانایی تامین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

جدول ۱. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	پژوهشگر	سال	عنوان	نتایج
۱	نوروزی و حیاتی	۱۳۹۷	سازه های موثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه	با استفاده از آزمون کرونباخ برای هر یک از متغیرها، به این نتیجه رسیدند که سازه های انسانی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، فیزیکی از نظر کشاورزان رابطه مستقیمی با پایداری معیشت دارد.
۲	کریم زاده و همکاران	۱۳۹۸	نقش تنوع بخشی به فعالیت ها در پایداری اقتصاد روستایی: دهستان مرحمت آباد میانی، شهرستان میاندوآب	با استفاده از آمار استنباطی (تی تک نمونه ای، همبستگی و تحلیل مسیر) به این نتیجه رسیدند که بین تنوع اقتصادی و پایداری اقتصادی در منطقه ۰،۰۱ درصد آلفا رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.
۳	قربانی سی سخت	۱۳۹۸	تحلیل نقش توسعه کسب و کارهای کوچک پردشپری در تنوع بخشی و پایداری معیشت روستایی: شهرستان دنا	با استفاده از نرم افزارهای Spss و Amos برای داده های کمی و مکس کیودا برای داده های کیفی به این نتیجه رسیدند که توسعه کسب و کارهای کوچک گردشگری در متنوع سازی و پایداری معیشت سنتی منطقه موثر بوده است.
۴	شریفی و همکاران	۱۳۹۹	بررسی وضعیت سرمایه های معیشت و پایداری آنها در خانوارهای روستایی بخش مرکزی شهرستان دنا	با استفاده از استاندارد سازی و میانگین گیری برای تک تک معرف ها و تبدیل معرف های کمی به کیفی به وسیله طبقات پنجگانه پرسکات آلن به این نتیجه رسیدند که از نظر پایداری سرمایه های اجتماعی، انسانی و فیزیکی در حد متوسط و سرمایه های مالی و طبیعی در حد ضعیف قرار دارند.
۵	میچیرسا و همکاران	۲۰۱۹	نقش تنوع دام در تضمین معیشت و امنیت غذایی خانواده تحت تغییرات آب و هوایی	تنوع دام عامل مهم و مؤثر بر امنیت غذایی و معیشت پایدار خانواده بود. امنیت غذایی به طور قابل توجهی کمتر از کمبود مواد غذایی می باشد.
۶	پروکتور	۲۰۱۹	تنوع اقتصادی روستایی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا	توجه جدید و مهم باید به بخش شرکت های خانگی رسمی و به تقویت کشاورزی و مواد غذایی داده شود. دولت ها باید توسعه روستایی را در جریان اصلی در راهبردهای ملی خود داشته باشند.
۷	مداکی و آدیفیلدا	۲۰۲۰	نقش فعالیت های اقتصادی در درآمد و معیشت خانوار در نیجریه	دولت باید برای به رسمیت شناختن بیشتر به فعالیت های غیرکشاورزی اقتصادی در مناطق روستایی با سیاست های طراحی کمک کند و خانواده های فقیر با مهارت های بهتر تجهیز، و سرمایه گذاری در زیرساخت ها، و دسترسی به منابع مالی افزایش یابد
۸	آدینسالا و همکاران	۲۰۲۱	اگرواکولوژی و معیشت پایدار روستایی در جزایر اقیانوس آرام	کشورهای جزیره اقیانوس آرام به خوبی نمونه معیشت پایدار و توسعه یافته اقتصاد سنتی است، توسعه اقتصادی روستایی مناسب بوده اما با مشکلاتی نیز همراه بوده است

مفهوم معیشت پایدار روشی برای تفکر در باب توسعه روستایی می باشد . همچنین روشی یکپارچه برای کاهش فقر در برابر روش های مرسوم است که با معیارهای درآمد، میزان مصرف و کاهش فقر را پیگیری می کند. اما با وجود این که، این مفهوم امروزه به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد، تعریفی واحد بین همه درباره آن وجود ندارد و هر

یک از سازمان ها و دولت ها خود درک خاصی از این مفهوم دارند (بدری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). منشاء رویکرد معیشت پایدار: با مرور ادبیات توسعه روستایی، آشکار می شود که مفهوم معیشت پایدار از متن توسعه روستایی بر می خیزد. برای فهم بهتر مفهوم معیشت پایدار، بررسی ادبیات توسعه روستایی ضروری است. اصطلاح توسعه روستایی از توجه به فقرای روستایی در کشورهای جهان سوم منشاء می گیرد. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه به معنی رشد بیشتر بود و فقرا چشم به رشد سریع همه جانبه از بالا به پایین داشتند و در اواخر دهه ۱۹۶۰ فقرا به منافع رشد سریع دسترسی داشتند که همان انقلاب سبز بود (Santos and Barrett, 2010). در دهه ۱۹۷۰ دیگر نه توسعه کشاورزی و نه افزایش فرآورده های غذایی چاره ساز فقر روستایی نبود و مردم به تفکر درباره رویکردهای جدید برای بهبود چشم انداز روستا و کاهش مداوم و عمیق تاثیرات فقر روستا روی آوردند. بدین ترتیب تا اواخر دهه ۱۹۷۰، بتدریج دیدگاه سنتی توسعه روستایی که از دیدگاه های کلی توسعه یعنی رشد اقتصادی بود تغییر محتوی داد و مباحث سیاسی و اجتماعی وارد مباحث توسعه روستایی شد و دیدگاه توسعه روستایی به عنوان اصطلاحی جداگانه شکل گرفت (Spangenberg, 2005: 59).

جدول ۲. سیر تحول تئوری توسعه روستایی

ترتیب زمانی	توسعه	توسعه روستایی
۱۹۶۰-۱۹۵۰	مدرنیزاسیون	مدل جمعیت و تکنولوژی
۱۹۷۰-۱۹۶۱	نظریه وابستگی	اقتصاد سیاسی تغییرات اراضی
دهه ۱۹۸۰	توسعه جایگزین	توسعه کشاورزی
۱۹۹۰ تا به امروز	توسعه پایدار	رویکرد معیشت پایدار

تعریف تیم، چمبرز و کانوی ادعا کردند که سه مفهوم پایداری، توانایی و برابری از اصول اصلی یک معیشت پایدار هستند و درک خود از معیشت پایدار را ارائه دادند:

معیشت، از قابلیت ها، دارایی ها و فعالیت های لازم برای گذران معاش تشکیل شده است: معیشت هنگامی پایدار است که بتواند با فشار و شوک ها سازگار شود و بهبود یابد، قابلیت ها و دارایی های خود را تقویت یا حفظ کند و فرصت های معیشت پایدار را برای نسل بعد فراهم آورد و دیگر اینکه منافع خالصی را برای معیشت دیگران در سطوح محلی یا ملی و در کوتاه مدت ایجاد کند (جوان و مکر، ۱۳۹۰: ۵۲). شماری از چارچوب های معیشتی توسعه داده شده اند که هر یک تفاوت های جزئی را در اجزای معیشت پایدار به نمایش می گذارند. از جمله:

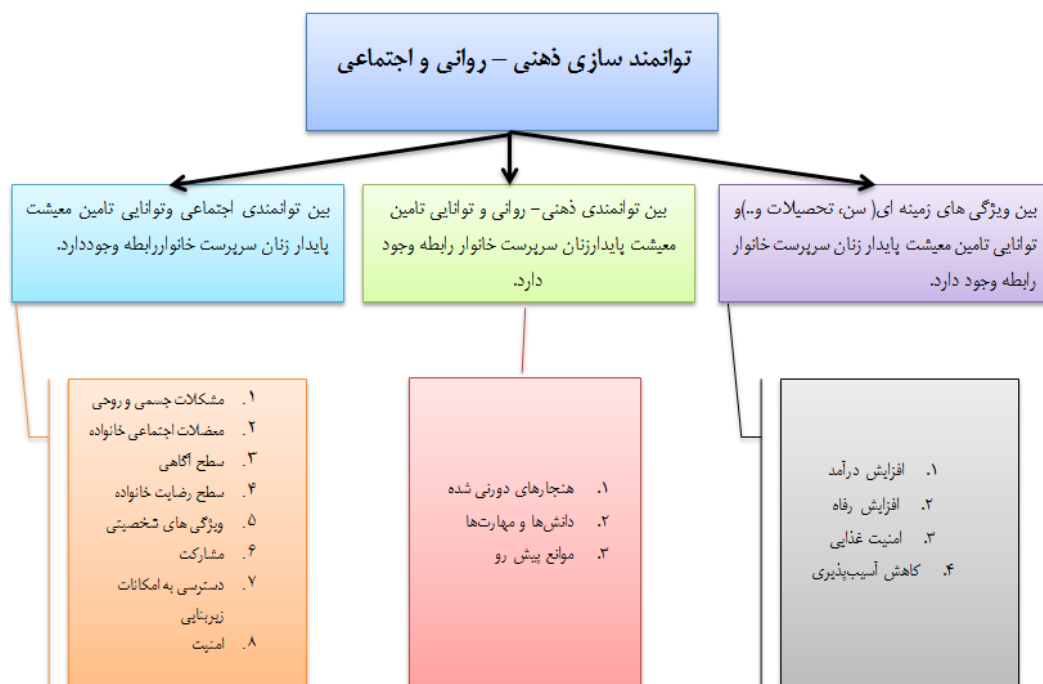
- چارچوب معیشت پایدار سیستم های کشاورزی؛
- چارچوب معیشت پایدار برزیلی،
- چارچوب تحلیلی معیشت پایدار روستایی؛
- چارچوب معیشت پایدار؛
- چارچوب سرمایه ها و قابلیت ها برای تحلیل پویایی روستا؛
- معیشت روستایی و فقر درآمد؛
- چارچوب معیشت پایدار (عینالی، ۱۳۹۳: ۹۸).

بر همین اساس یکی از نکات مهم در توانمندی افراد، درآمد است که خود موجب افزایش توانمندی در عرصه های غیردرآمدی، افزایش در بهره وری درآمدی و حتی به طور مستقیم تر، افزایش میزان مطلق درآمدی شود. رونق در وضعیت درآمدی با ارتقای دیگر شاخصهای کمی و کیفی در زمینه توانمندی همراه و همزاد است. هر چند لزوم آنمی توان افزایش در درآمد را به منزله ارتقای سطح توانمندی افراد در نظر گرفت. مطابق با آراء «سن»؛ برای درک از مفهوم توانمندی باید مفهوم «عملکرد» را درک نمود. «سن» معتقد است عملکردها نشان دهنده چیزهایی است که انجام آنها پایداری به آنها برای فرد از شماست. عملکردها از مقولات فراگیر و اولیه ای همچون تغذیه کافی و سلامت جسمی

تأفالیته‌ها و مطلوبیتهای پیچیده ای همچون مشارکت اجتماعی و برخورداری از احترام را شامل میشود ( Spangenberg, 2005: 59).

براین اساس توانمندی هر فرد عبارت خواهد بود از «امکان انتخاب بین ترکیب های مختلفی از عملکردها». مطابق با تعریف «سن» توانمندی نه صرفاً در داشتن و دسترسی به سطوح بالایی از برخورداریهای مختلف، بلکه در بهره مندی از آزادی انتخاب بین عملکردهای مختلف در حوزه های گوناگون زندگی است که در کنار هم، شیوه مطلوب زندگی از دیدگاه فرد را به تصویر میکشند، تصویری که در شکل گیری آن آگاهی فرد نقش تعیین کننده ای داشته است. می توان متغیرهای دیگری با توانمندی در نظر گرفت. مفهوم قدرت رابطه تنگاتنگی با توانایی و گزینش دارد. توانمندسازی را می توان گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه‌هایی دانست که پیش‌تر این توانایی از آن‌ها دریغ شده است. دیدگاه های گوناگون نشان می دهند که توانمندی از سه گانه «عاملیت»، «منابع» و «دستاوردها» بهره می‌گیرد. از این منظر؛ «منابع» به وجود آورنده شرایطی هستند که انتخاب تحت تأثیر آن اتفاق می‌افتد. «عاملیت» در واقع نمایانگر اصلی و به نوعی فرآیند گزینش است و «دستاوردها» معرف نتایج برآمده از انتخاب‌های مختلف هستند. به عبارت دیگر؛ ابعاد سه گانه توانمندی با یکدیگر روابطی متقابل دارند. به طوری که تغییر در هر یک از آن‌ها می‌تواند هدایتگر تغییرات در ابعاد دیگر باشد. آن‌چه که در یک دوره به عنوان دستاورد حاصل از جریان‌یابی عاملیت آشکار شده است، در مقطعی دیگر می‌تواند در حکم منابع لازم برای جریان‌یابی مجدد عاملیت و حصول دستاوردهای بیشتر عمل کند. عکس این حالت نیز صادق است یعنی کاستی در بروز و ظهور هر یک از این سه می‌تواند مانع از تحقق شایسته ابعاد دیگر شود. «بسیاری از منابع، مصادیق عاملیت و دستاوردها به عنوان شاخص های توانمندسازی؛ همپوشانی قابل توجهی با تعدادی از شاخص‌های شناخته شده برنامه‌های توسعه‌ای دارد. مانند برابری در دسترسی به بهداشت، آموزش، وام و اعتبار، زمین و مالکیت، فرصت‌های معاش و اشتغال و غیره. که نمی‌توان منکر آن شد. در عین حال هر چند تکیه بر شاخص‌ها و مطلوبیتهای ذکر شده امکان سنجش را تسهیل می‌نماید، اما تنها در صورتی می‌توان نقش آفرینی و ارتباط آن‌ها با توانمندی را مورد تأیید قرار داد که به نحوی از انحاء مشخص گردد هر یک از آن‌ها در یک زمینه اجتماعی و فرهنگی معین چگونه و تا چه حد به زنان یا هر گروه هدف دیگری این امکان را می‌بخشند که دست به انتخاب‌های خاص خودشان بزنند». توانمند سازی بویژه توانمندی زنان می‌تواند در معیشت پایدار نقش عمده ای ایفا نماید. اما چگونه این امکان میسر می‌گردد؟ مطالعات نظری، برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی که در زمینه توانمندسازی و یا هر هدف اجتماعی دیگر با محوریت زنان صورت می‌پذیرد با دو مسأله دشوار مواجه اند. اول این که زن بودن قاعدتاً در طول دیگر عوامل مسأله‌ساز همچون فقر، معلولیت، بیماری‌های صعب‌العلاج، قومیت، نژاد، مذهب و غیره تعریف می‌شود. به عبارت دیگر زمانی که زن بودن به عنوان متغیر تمایزبخش مدنظر قرار گرفته باشد، گروه مورد مطالعه مشتمل بر افرادی خواهد بود که به احتمال زیاد تحت تأثیر عوامل آسیب زای دیگری نیز قرار دارند. دوم این که زن بودن ترکیبی پیچیده از پیوندهای ضعیف و قوی بین جنبه‌های بیولوژیک و تعریف‌های ارائه شده برای نقش‌های بنیادین اجتماعی (مانند نقش مادری، همسری و فرزندی) است که عمدتاً در بستر نهاد خانواده تجلی می‌یابد. به عبارت دیگر ویژگی‌های نهاد خانواده و عناصر ساختاری و فرهنگی مقوم این ویژگی‌ها است، که در هر نظام اجتماعی تعیین‌کننده تهدیدها و فرصت‌های متناظر با زن بودن به مثابه یک موقعیت اجتماعی است (مالوتره، بوندر و شولر ۱۳۸۹: ۱۵۶). الگوهای معیشت پایدار برخی تفاوت های مهم رادبرمی گیرند و همگی اصول پایه ای یکسان و مشترکی با یکدیگر دارند (طاهرخوانی، ۱۳۷۹: ۲۱). این الگو؛ فرآیندها و اثرات اصلی موجود در تحولات و پایداری معیشتی را مورد توجه قرار می‌دهد و بر اهمیت بسیار پویا و تکاملی معیشت تأکید می‌کند و توجه به این نکته که مردم جامعه در مرکز این الگو قرار می‌گیرند. به طوری که یک سیستم معیشت پایدار شامل پنج عنصر کلیدی می‌باشد. شامل: ۱- دارایی های معیشتی، ۲- ساختارها و فرآیندهای در حال تحول، ۳- آسیب پذیری ها، ۴- نتایج معیشتی، ۵- استراتژی ها و یافعالیت های معیشتی، در واقع چارچوب های معیشت پایدار مختلفی برای تسهیل کردن کاربرد رویکرد معیشت پایدار در عمل ایجاد شده است. در این رویکرد، معیشت به مفهوم تفکر در مورد دسترسی به دارایی ها و مدیریت برای نگهداری آنها

است. معیشت به معنی زندگی وزنده بودن، توانایی ها، دارایی ها و فعالیت هایی است که برای زندگی وزنده بودن مورد نیاز است. به عبارت دیگر؛ اساس توسعه انسانی و توسعه اقتصادی بر معیشت استوار است. معیشت چیز بیشتراشغل است. معیشت برای رسیدن به توسعه است. مباحثه بر فقر، پایداری، سیستم های معیشتی و تنوع بخشی آنها و تمرکز و تاکید بر فرآیند مشارکت و ماهیت فقر، منجر به رسمیت رویکرد معیشت پایدار شد. معیشت زمانی پایدار است که بتواند باشوک ها و استرس ها مقابله کند و یا آنرا بهبود بخشد و همچنین توانایی ها و دارایی های خود را - در حال و آینده - حفظ کند و یا آن را افزایش دهد و در عین حال منابع طبیعی پایه را تضعیف نکند. رویکردی که در آن این مولفه ها در نظر گرفته شود. ۱- سرمایه انسانی (مهارت، آموزش و سلامت)؛ ۲- سرمایه فیزیکی (ابزار، تجهیزات، وسایل حمل و نقل و بازار فروش)؛ ۳- سرمایه مالی (پول، پسان دازها، دسترسی به وام و قرض)؛ ۴- سرمایه طبیعی (زمین، آب و دام)؛ ۵- سرمایه اجتماعی (شبکه ها و اتحادیه ها). تقسیم می شوند که اعضای خانواده بر آن دسترسی دارند یا مالک آن هستند. چمبرز معیشت پایدار را به عنوان یک سطح از ثروت، سرمایه و جریان غذا و پول نقد که برای رفاه فیزیکی و اجتماعی و امنیت و جلوگیری از فقیر شدن لازم است، تعریف کرده است. در بحث توانمندسازی زنان «تقویت توانایی زنان سرپرست خانوار در زمینه تأمین معیشت پایدار برای خود و افراد تحت پوشش شان» و به دنبال آن «ارتقاء توانایی ایشان در اداره و مدیریت خانواده» دارای اهمیت شمرده می شود که در کنار هم معرف «توانمندی برای سرپرستی خانوار» است. در واقع شاخص مذکور معرف دستاورد اصلی متصور برای افراد مورد مطالعه در فرایند توانمندسازی بوده است. در مقام شناسایی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (توانمندی سرپرستی خانوار)، علاوه بر ویژگی های زمینه ای، توانمندی فرد در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و ذهنی - روانی می بایست مورد توجه قرار بگیرد. بر این اساس و با توجه به مبانی نظری تحقیق، می توان مدل مفهومی زیر را ارائه نمود:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش شناسی

طرح تحقیق این پیمایش از نوع مقطعی است. بدین منظور اطلاعات در مقطع زمانی خاص از پاسخگویان جمع آوری می گردد. این روش نه تنها به منظور توصیف و شناسایی بلکه برای تعیین همبستگی بین متغیرها در زمان انجام تحقیق نیز به کار می رود. البته باید توجه داشت که نتایج به دست آمده از طرح مقطعی فقط در زمان اجرای تحقیق



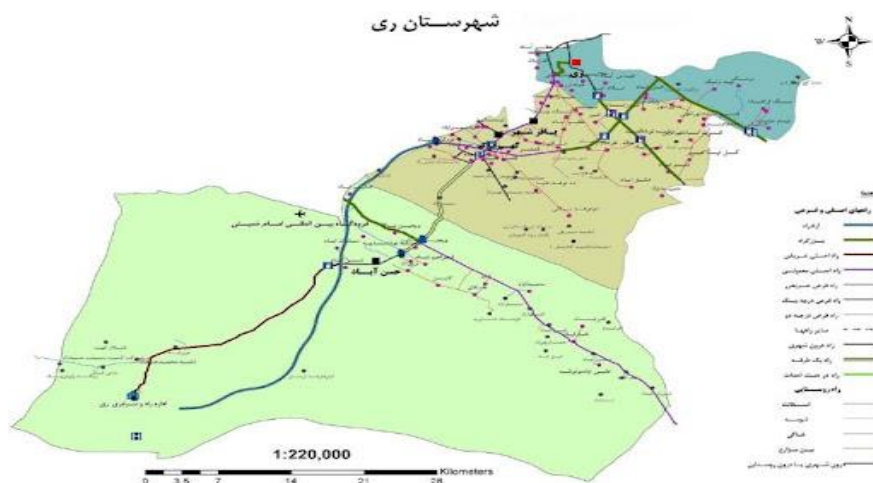
درست است و با گذشت زمان تغییر می کند. در تحقیق حاضر علاوه بر پرسشنامه، تکنیک دیگری که مورد استفاده قرار خواهد گرفت، تکنیک مصاحبه می باشد که پرسشنامه بین مردم توزیع خواهد شد و مصاحبه از متخصصین حوزه شهری انجام خواهد شد. جامعه آماری ما در این تحقیق زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان ری می باشد. که در سال ۹۹-۹۸ تعداد آنها ۱۷۰۰ نفر می باشد که این آمار با توجه به مراجعات و تشکیل پرونده و دریافت خدمات در نظر گرفته شده است. حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید که برای جلوگیری از ریزش احتمالی حاصل از پرسشنامه های ناقص تعداد ۳۵۰ نفر را به عنوان نمونه نهایی انتخاب نمودیم. روش نمونه گیری در تحقیق حاضر روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق میدانی خواهد بود. پس از تبدیل مفاهیم به معرف ها، برای هر یک از معرف ها گویه های مناسبی تهیه و در قالب پرسش نامه تدوین گردید. لذا ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسش نامه و مصاحبه بوده که در آن علاوه بر سئوالات مربوط به متغیرهای مستقل، متغیر وابسته، سئوالات مربوط به متغیرهای زمینه ای نیز گنجانده شده است. لازم به ذکر است که در این تحقیق از مطالعات اکتشافی (شامل خواندن متون و مصاحبه های اکتشافی) نیز در مراحل اولیه تحقیق بخصوص در طرح پرسشنامه استفاده خواهد شد. برای تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق نیز از شاخص های ذیل استفاده شد.

جدول ۳. شاخص های متغیر توانمندی ذهنی - روانی

متغیر	شاخص
توانمندی ذهنی روانی	هنجارهای درونی شده
	دانش ها و مهارت ها
	موانع پیش رو
	مشکلات جسمی و روحی
توانمندی اجتماعی	معضلات اجتماعی خانواده
	سطح آگاهی
	سطح رضایت خانواده
	ویژگی های شخصیتی
معیشت پایدار	مشارکت
	دسترسی به امکانات زیربنایی
	امنیت
	افزایش درآمد
	افزایش رفاه
	امنیت غذایی
	کاهش آسیب پذیری

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان ری محدوده ای است با مساحت ۲۲۹۳ کیلومتر مربع، از شمال به تهران، از جنوب به شهرستان قم، از شرق به شهرستان ورامین و شهرستان پاکدشت، از غرب به شهرستان های اسلامشهر، رباط کریم و زرندیه محدود می شود. مساحت بخش های سه گانه شهرستان ری: بخش مرکزی ۱۷۴؛ بخش کهریزک ۵۴۳، و فساپویه ۱۶۴۵ کیلومتر مربع می باشد. شهر ری مرکز شهرستان ری بین مختصات جغرافیایی ۳۵°۳۶' شمالی، ۵۱°۲۶' شرقی واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۰۶۲ متر است. شهر ری در جنوب شهر تهران و متصل به شهر است. فاصله ری تا مرکز شهر تهران بالغ بر ۱۰ کیلومتر است.



شکل ۲. نقشه محدوده مورد مطالعه

## یافته‌ها و بحث

### یافته‌های توصیفی

- در خصوص وضعیت تاهل؛ طبق یافته‌ها بیشتر پاسخ دهندگان همسر فوت شده می‌باشند (۱۳۹ نفر (۳۹/۷ درصد))
- در خصوص محل تولد بیشتر پاسخگویان متولد روستا هستند (۲۲۲ نفر، ۶۳/۴ درصد).
- از نظر، میانگین سن پاسخگویان حدود ۴۰/۸۶ سال می‌شود.
- از نظر وضعیت تحصیلات، بیشتر پاسخگویان دیپلم می‌باشند (۱۲۶ نفر، ۳۶ درصد).
- از نظر بعد خانوار، بیشتر خانواده‌ها دارای خانوارهای سه نفره می‌باشند (۱۷۶ نفر، ۵۰/۳ درصد).
- در خصوص مدت سرپرستی بیشتر پاسخگویان گزینه ۱۱ تا ۱۵ سال را انتخاب کرده‌اند (۱۳۰ نفر، ۳۷/۱ درصد).
- در خصوص وضعیت معلولیت، بیشتر پاسخگویان ابراز داشته‌اند که دارای معلولیت نیستند (۳۴۶ نفر، ۹۸/۹ درصد).
- در خصوص وضعیت زندانی بودن مرد سرپرست خانوار، بیشتر پاسخگویان ابراز داشته‌اند که سرپرست شان زندانی نیست (۲۸۸ نفر، ۸۲/۳ درصد).
- در خصوص گرفتن کمک از والدین بیشتر پاسخگویان ابراز داشته‌اند که از والدین خود کمک می‌گیرند (۱۹۷ نفر، ۵۶/۳ درصد).

### یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین توانمندی اجتماعی و توانایی تامین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

جدول ۴. آزمون همبستگی بین توانمندی اجتماعی و معیشت پایدار

متغیرها	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار
معیشت پایدار	۳۵۰	۳۶/۴۸	۳/۴۵۳
توانمندی اجتماعی	۳۵۰	۱۴/۳۷	۳/۴۰۳

Sig= 0/000 R= 0/520

ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۵۲۰) نیز حاکی از وجود همبستگی قوی و مثبت بین دو متغیر است. بدین معنا که هرچقدر میزان توانمندی اجتماعی زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس.

فرضیه دوم: بین توانمندی ذهنی روانی و توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

جدول ۵. آزمون همبستگی بین توانمندی روانی و معیشت پایدار

متغیرها	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار
معیشت پایدار	۳۵۰	۳۶/۴۸	۳/۴۵۳
توانمندی ذهنی روانی	۳۵۰	۴۰/۷۰	۴/۸۵۹

Sig= 0/000 R= 0/451

ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۴۵۱) نیز حاکی از وجود همبستگی متوسط و مثبت بین دو متغیر است. بدین معنا که هرچقدر میزان توانمندی ذهنی روانی زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس.

فرضیه سوم (فرضیه زمینه ای که خود شامل ۴ فرضیه جزئی تر می شود)

الف: بین سن و توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد.

جدول ۶. آزمون همبستگی بین سن و معیشت پایدار

متغیرها	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار
معیشت پایدار	۳۵۰	۳۶/۴۸	۳/۴۵۳
سن	۳۵۰	۴۰/۸۶	۷/۷۸۲

Sig= 0/000 R=0/520

ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۵۲۰) نیز حاکی از وجود همبستگی قوی و مثبت بین دو متغیر است. بدین معنا که هرچقدر میزان سن زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس.

ب: توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت کمک گرفتن از والدین متفاوت است.

جدول ۷. مقایسه میانگین نمرات تأمین معیشت پایدار در بین زنان سرپرست خانوار برحسب کمک گرفتن از والدین

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین
کمک گیرنده	۱۹۷	۳۵/۳۴	۳/۴۸۸	۰/۲۴۸
کمک نگرفته	۱۵۳	۳۷/۹۴	۲/۸۰۳	۰/۲۲۷

بر طبق داده های جدول فوق میانگین تأمین معیشت پایدار در بین زنان سرپرست خانواری که از والدین خود کمک گرفته اند ۳۵/۳۴ می باشد، این میزان در بین زنانی که از والدین خود کمک نگرفته اند ۳۷/۹۴ می باشد، که اختلاف میانگین بین دو گروه ۲/۶۰۱ می باشد، بدین معنا که میانگین نمره تأمین معیشت پایدار در بین زنان سرپرست خانواری که از والدین خود کمک گرفته اند به میزان ۲/۶۰۱ کمتر از زنانی است که از والدین خود کمک نگرفته اند. نتایج قضاوت آماری این تفاوت در جدول فوق آمده است.

ج: توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت ابعاد خانوار متفاوت است.

جدول ۸. آزمون آنالیز واریانس (تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت ابعاد مختلف خانوار)

Sig.	F	Mean square	Df	Sum of squares	
.۰/۰۰۰	۸/۳۲۹	۹۳/۴۲۳	۳	۲۸۰/۲۶۸	بین گروهی
-	-	۱۱/۲۱۷	۳۴۶	۳۸۸۱/۰۴۹	درون گروهی
-	-	-	۳۴۹	۴۱۶۱/۳۱۷	جمع

داده‌های حاصل از تحقیق این فرضیه را تأیید می‌کند، چرا که سطح معناداری بدست آمده از داده‌های تحقیق کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد (Sig = 0/000). بدین معنا که میزان تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت ابعاد مختلف خانوار متفاوت است.

د: توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت سطح تحصیلات متفاوت است.

جدول ۹. آزمون آنالیز واریانس (تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت سطح تحصیلات)

Sig.	F	Mean square	Df	Sum of squares	
.۰/۰۰۰	۱۱/۹۸۲	۱۲۶/۸۹۴	۴	۵۰۷/۵۷۴	بین گروهی
-	-	۱۰/۵۹۱	۳۴۵	۳۶۵۳/۷۴۳	درون گروهی
-	-	-	۳۴۹	۴۱۶۱/۳۱۷	جمع

داده‌های حاصل از تحقیق این فرضیه را تأیید می‌کند، چرا که سطح معناداری بدست آمده از داده‌های تحقیق کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد (Sig = 0/000). بدین معنا که میزان تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار به نسبت سطح تحصیلات آنان متفاوت است.

جدول ۱۰. تحلیل رگرسیون چند گانه برای تبیین متغیر وابسته (تأمین معیشت پایدار)

R	Rsquare	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
.۰/۷۷۶	.۰/۶۰۳	.۰/۵۹۳	۲/۲۰۲

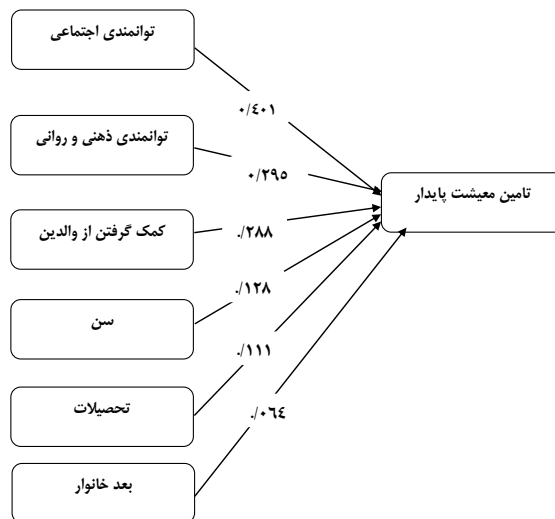
داده‌های جدول نشان می‌دهد که ضریب همستگی معادل ۰/۷۷۶ محاسبه شده است، که بیانگر این مطلب است که ۶ متغیر توانمندی اجتماعی، توانمندی ذهنی- روانی، سن، بُعد خانوار، کمک گرفتن از والدین و تحصیلات به طور همزمان تقریباً ۰/۷۸ با تأمین معیشت پایدار ارتباط دارند. در این بررسی (R<sup>2</sup>) معادل ۰/۵۹۳ محاسبه شده است، یعنی حدود ۵۹ درصد تأمین معیشت پایدار در بین افراد نمونه توسط متغیرهای شش گانه مورد بررسی توضیح داده می‌شود، و ۴۱ درصد باقیمانده ناشی از عواملی خارج از مشاهدات مورد بررسی ما می‌باشند.

جدول ۱۱. ضرایب تاثیر مدل تبیین کننده تأمین معیشت پایدار

Sig.	t	ضرایب استاندارد		متغیر
		Beta	Std. Error	
.000	9.520	-	1.391	ثابت
.000	8.536	.401	.048	توانمندی اجتماعی
.000	4.256	.295	.049	توانمندی ذهنی- روانی
.000	7.292	.288	.275	کمک گرفتن از والدین
.015	-2.451	-.128	.023	سن
.009	2.624	.111	.110	تحصیلات
.076	1.779	.064	.171	بُعد خانوار

برای تشخیص اینکه سهم کدامیک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش بینی متغیر وابسته یعنی تأمین معیشت پایدار بیشتر است و سهم کدامیک کمتر ، باید به جدول رگرسیونی مراجعه شود. در جدول معادله رگرسیونی اهمیت نسبی هر متغیر مستقل در توضیح تغییرات وابسته با مشاهده مقدار ضرایب یا وزن های رگرسیونی به دست می آید. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول بالا نشان می دهد که متغیر توانمندی اجتماعی قوی ترین تأثیر با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta = ۰/۴۰۱$ ) می باشد. رتبه دوم با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta= ۰/۲۹۵$ ) مربوط به متغیر توانمندی ذهنی- روانی می باشد، رتبه سوم با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta= ۰/۲۸۸$ ) مربوط به متغیر کمک گرفتن از والدین می باشد، رتبه چهارم با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta= -۰/۱۲۸$ ) مربوط به متغیر سن می باشد، رتبه پنجم با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta= -۰/۱۱۱$ ) مربوط به متغیر تحصیلات می باشد و رتبه ششم در بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی، با ضریب تأثیر رگرسیونی ( $Beta= -۰/۰۶۴$ ) مربوط به متغیر بعد خانوار می باشد.

تحلیل مسیر: تحلیل مسیر روشی است برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهایی که علت در نظر گرفته شده اند و متغیرهایی که معلول فرض گردیده اند. باید توجه داشت که از تحلیل مسیر در کشف علت ها استفاده نمی شود بلکه این روش در مورد مدل هایی بکار می رود که بر مبنای دانش ملاحظات نظری تدوین شده باشند (کرلینجر و پدهاورز، ۱۳۸۳، ۴۰۶).



شکل ۳. نمودار تحلیل مسیر

### ارزیابی نهایی و نتایج فرضیات

فرضیه اول: بین توانمندی اجتماعی و توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بدست آمده ( $۰/۵۲۰$ ) نیز حاکی از وجود همبستگی قوی و مثبت بین دو متغیر است. بدین معنا که هرچه قدر میزان توانمندی اجتماعی زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس.

فرضیه دوم: بین توانمندی اقتصادی و توانایی تأمین معیشت پایدار زنان سرپرست خانوار رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بدست آمده ( $۰/۵۵۷$ ) نیز حاکی از وجود همبستگی قوی و مثبت بین دو متغیر است. بدین معنا که هرچه قدر میزان توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار افزایش یابد وضعیت تأمین معیشت پایدار خانوار در سطح بالاتری قرار می گیرد، و بالعکس.

## نتیجه گیری

توانمندسازی به عنوان فرآیندی که به واسطه آن افراد بر امور و کارهای خود تسلط بیشتری می یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتماد، ظرفیت سازی و مشارک فعال می توانند مسیر زندگی شان را به درستی هدایت کنند، مورد توجه اندیشمندان است. توانمندسازی یکی از اجزای لازم برای رسیدن به معیشت پایدار به حساب می آید؛ به گونه ای که، دستیابی به معیشت پایدار، بدون توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه امکان ناپذیر توصیف می شود. زنان نیز حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش مهمی از جمعیت فعال هستند که می توانند سهم به سزایی در توسعه اجتماعی ایفا کنند. برخلاف نسبت جمعیت زنان در جامعه سهم آنان در جامعه افراد تحصیلکرده کشور حدود یک سوم است، پدیده ای که نشان دهنده نابرابری جنسیتی در ساختار اجتماعی است. رویکرد جنسیتی در حوزه توسعه اعم از اجتماعی، یکی از زمینه های مهم توسعه پایدار و عامل مشارکت همه اقشار جامعه در فرآیند توسعه است.

زنان سرپرست خانوار به عنوان یک بخش از زنان با توجه به این که ترکیبی از وظایف رسمی و غیر رسمی، قانونی یا عرفی، پیدا یا پنهان را در ارتباط با کار خانه دارند، چنانچه مجبور به حضور و کار در بیرون خانه برای کسب درآمد مورد نیاز خود و خانواده شان بشوند، بیش از پیش با خطر ورود به چرخه فقر و بی قدرتی آن گونه که چمبرز (۱۳۸۷) توصیف نموده است، روبرو می گردند. ساعات طولانی کار در مشاغل سخت و بعضاً زیان آور، با درآمدهای نابرابر نسبت به مردانی در موقعیت شغلی مشابه، دچار شدن به ضعف جسمانی و به دنبال آن بیماری، از دست دادن توان نظارتی و تربیتی در ارتباط با فرزندان و احیاناً حوادث غیر مترقبه که ضمن ایجاد اختلال های جدی در روندهای معمول زندگی، هزینه های سنگین مالی را نیز به چنین خانواده هایی تحمیل می کند، همه و همه می توانند این زنان را در معرض سقوط به ورطه فقر مطلق و ناتوانی غیر قابل بازگشت سوق دهند.

به طور کلی زن بودن در اغلب موارد متضمن قرار گرفتن در موقعیتی نابرابر در ساختار اجتماعی از سطوح کلان آن همچون مشارکت در مدیریت های طراز اول نظام سیاسی و اقتصادی حاکم تا سطوح خرد آن مانند محیط خانواده و روابط متقابل روزمره بوده است. تامین معیشت پایدار، به عنوان گزینه های معیشتی شامل محیط زیست امن، داشتن عدالت اجتماعی با تاکید بر ابعاد زیست محیطی، اجتماعی تعریف شده است. یکی از راه های ناگزیر پیشرفت و جلوگیری از افزایش فقر زنان سرپرست خانوار روستایی، توجه به وضعیت معیشتی خانوار روستایی است. با در نظر گرفتن اهمیت و نقش تاثیرگذاری که معیشت پایدار در زندگی خانوار روستایی دارد، همچنین افزایش نرخ بیکاری در بین جوامع روستایی و عدم توانایی برآورده ساختن نیازهای اولیه زندگی که ناشی از نبود یک معاش پایدار است، توجه به این موضوع از ضروریات است. مادامی که زندگی خانوار روستایی با چالش فقر در پی نبود، حداقل استانداردها برای زندگی مواجه شود، موجب تحت الشعاع قرار گرفتن تمام ابعاد زندگی آنان می شود. مشکلات وسیعی در سطح گسترده از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانی بوقوع می پیوندد. از این رو توجه به برقراری یک معاش پایدار در سطح خانوار روستایی باید در اولویت ویژه ای قرار گیرد. پایداری معیشت شاخص کلیدی برای موفقیت توانمندسازی زنان است. به منظور کاهش آسیب پذیری، زنان سرپرست خانوار به منابع معیشتی نیازمندند که از نظر اجتماعی و ذهنی- روانی کارآمد بوده، با توجه به عدالت اجتماعی در دسترس همه افراد جامعه باشد، منجر به تخریب منابع محیط زیست نشده و همچنین با انعطاف پذیری، به تمام اهداف مورد نظر دستیابی پیدا کنند. پایداری معیشت یعنی دسترسی باثبات و پایدار به منابع معیشتی برای جلوگیری از تنش ها و شوک های وارده بر خانوار روستایی که در نتیجه این دسترسی آسیب پذیری خانوارها در مقابل مشکلات کاهش می یابد.

علی رغم این که مرور مطالعات صورت گرفته بر مطالعات موجود نشان از پویایی حوزه مطالعات توانمندسازی زنان به لحاظ نظری و تجربی داشته، اما دو جریان کلی بر این مطالعات حاکم است. از یک سو بخش زیادی از مطالعات این حوزه به ویژه مطالعات تجربی که در سطح خرد صورت گرفته اند، معطوف به بررسی شرایط، برنامه ها یا اقدامات مربوط به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در جوامع روستایی کشورهای مختلف در حال توسعه بوده است. از سوی دیگر و البته در سطحی متفاوت بخش قابل توجهی از این مطالعات نیز به صورت مقایسه های کلان در سطح ملی و

بین المللی جهت ارزیابی آن دسته از شاخص های توسعه که ناظر بر توانمندسازی زنان هستند، پیش برده شده است. به طور خلاصه بررسی های صورت گرفته نشان داد که در بین عوامل متنوع تاثیر گذار بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در بین زنان مورد مطالعه بالاترین میزان تاثیر مربوط به بعدی از توانمندی اجتماعی بوده است. بعد از این عامل، عامل روانی-ذهنی عامل تاثیر گذار بر توانمندسازی زنان و در نهایت معیشت پایدار این زنان بوده است. یکی از نتایج جالب توجه این تحقیق تفاوت قابل ملاحظه بین متغیر وضعیت تاهل و سطح توانمندسازی بوده است. یافته ها نشان می دهد که در شرایط مشابه زنان مطلقه و با اندکی فاصله زنان بیوه نسبت به زنان مجرد و یا دارای همسر نمرات بالاتری را در شاخص های مورد بررسی کسب کرده اند. بیان علت دقیق این موضوع مستلزم تحقیق بیشتر است. اما اجمالاً می توان این فرض را مطرح کرد که شرایط متفاوتی که به لحاظ روابط قدرت و تعاملات بین جنسیتی در مناسبات خانوادگی و اجتماعی این گروه ها حاکم است می تواند بر موضوع فوق تاثیر گذار باشد.

- لازم است زنان جامعه مورد پژوهش، آموزش های لازم را ببینند تا خود کارآفرین شوند. این کار باعث می شود انگیزه های اجتماعی (کسب مقام و موقعیت اجتماعی، جلب احترام اجتماعی، الگو و سرمشق های دیگران بودن)، انگیزه های خدمتی (ایجاد اشتغال و اشتغال زایی، کمک به اقتصاد جامعه)، انگیزه های خانوادگی (رفاه خانواده، خشنودی پدر و مادر، جلب رضایت همسر)، انگیزه های شخصی (استقلال فردی، دستیابی به اهداف مورد نظر از طریق فعالیت های مختلف و موثر، افزایش صلاحیت و توانایی های شخصی) در زنان سرپرست خانوار بیشتر گردد؛
- تلاش برای تغییر ذهنیت و اعتقادات و باورهای سنتی نسبت به زنان و افزایش و تقویت اعتماد به نفس، خودباوری و خوداتکایی جهت شکوفایی استعداد های زنان و دختران روستایی؛
- ایجاد زمینه های افزایش مشارکت زنان در اشتغال و دسترسی آنان به فرصت های آموزشی به منظور تقویت حس استقلال با توجه به تاثیر آن در افزایش نقش زنان در تصمیم گیری های خانوادگی؛
- ایجاد تعاونی هایی جهت همکاری و تقویت مشارکت و انگیزه و همچنین بازاریابی و فروش محصولات تولیدی زنان روستایی؛
- تربیت و استخدام مروجان زن کارآموده و دارای مهارت های آموزشی- اجتماعی به منظور تقلیل و کاهش فشارهای اجتماعی و خانوادگی و تعصبات خاص جوامع روستایی نسبت به حضور مرد ها در امور مربوط به زنان روستایی؛
- توجه به باورها و تعصبات و سنت های حاکم بر جوامع روستایی و سعی در اصلاح باورها نسبت به توانمندی زنان در جهت مشارکت بیشتر آنها؛
- همکاری، تشویق و حمایت دولت و بستر سازی برای ایجاد سازمان های غیر رسمی و عام المنفعه فعال در بخش زنان روستایی و شهری و مراجع قانونی خاص جهت رسیدگی و حمایت از حقوق کودکان و زنان روستایی؛ و
- حضور مستمر کارشناسان سازمان ها و ارگان های مختلف جهت پیگیری و نظارت کار زنان روستایی و جلوگیری و یا رفع موانع و مشکلات پیش روی آنان.

## سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی از آن دفاع شده است.

## منابع

- اشتری، بهناز (۱۳۸۲). پیامدهای توانمند سازی زنان در حرفه وکالت، فصلنامه پژوهش زنان.
- افشانی، سید علیرضا، فاتحی، الهام (۱۳۹۵). توانمندی زنان سرپرست خانوار و عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه زنان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تبریز، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره سوم.
- الوانی، سید مهدی. ضرغامی فرد، مزگان (۱۳۹۰). مقاله «موفقیت زنان در کار راهه مدیریتی». مجله: فرایند مدیریت و توسعه؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۰- شماره ۵۳- ۵۴.

- آمارتیا سن (۱۳۸۹). مقاله «آزادی در انتخاب چگونه زیستن»
- شیدایی آشتیانی، کاظم (۱۳۸۸). تاثیر توانمند سازی بر توسعه اجتماعی، اداره کل برنامه ریزی و فناوری اطلاعات، گروه برنامه ریزی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۵). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. تهران: انتشارات بازتاب، چاپ نهم.
- دارچینیان، حمیدرضا (۱۳۹۳). تحلیل مردم شناختی محلات سنتی در مشارکت های اجتماعی سنتی در شهر ری (نمونه موردی دو محله دیلمان و نفرآباد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رضوی، میر کاظم (۱۳۸۴). کاربرد روش ها و فنون رهیافت مشارکت گامی در جهت ظرفیت سازی سازمانی و توانمندسازی مردم جوامع محلی، چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه های آبیاری و زهکشی (اصول و روش های کاربردی).
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۹). توانمند سازی، دایره المعارف سازمان دهیاری ها و شهرداری ها، وزارت کشور، چاپ اول، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). روش های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی). جلد اول. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). راهنمایی تدوین طرح تحقیق. انتشارات جامعه و فرهنگ.
- عابسی، سعید، کرد، باقر (۱۳۸۸). شناسایی و تبیین توانمندسازی کارکنان در سازمان های دولتی ایران (مطالعه موردی استان یزد)، پژوهش های مدیریت، سال دوم، شماره سوم.
- عزیزی خالخیلی، ط و زمانی، غ (۱۳۹۲). ادراک کشاورزان نسبت به خطر پذیری (ریسک) کار کشاورزی در شرایط تغییرات اقلیمی: مورد مطالعه شهرستان مرودشت استان فارس، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۹، شماره ۲، ص ۵۲-۴۱.
- قیداری، حمدالله، صادقلو، طاهره، شکوری فرد، اسماعیل (۱۳۹۵). سنجش سطح دارایی های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۳.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت، فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۴). پیش شرط ها و موانع توانمند سازی زنان، مطالعه موردی زنان شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان.
- کرلینجر، فردریک نیکلز (۱۳۸۴). مترجم: حسن سرایی. انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی. چاپ سوم.
- کریمی، حمیدرضا (۱۳۸۹). زمینه ها و شیوه های یاریگری در ایران، تهران: انتشارات کندو کاو.
- کرمانی، مهدی، مظلوم خراسانی، محمد و دیگران (۱۳۹۲). عوامل موثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه زنان شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران در سال ۱۳۹۱)، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۳.
- کریمیان، حسین، ۱۳۴۵، ری باستان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، جلد اول.
- گزارش سازمان ملل (فائو؛ ۲۰۰۷).
- ماهنامه پیام زن (۱۳۸۵). سال پانزدهم شماره ۱۱ - ۱۲.
- معیدفر، سعید، حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). مقاله علمی پژوهشی «زنان سرپرست خانوار و ناگفته های آسیب های اجتماعی». مجله مطالعات جامعه شناختی. زمستان - شماره ۳۲.
- ملکی میانجی، علی (۱۳۸۳). جغرافیای ری، قم: انتشارات دار الحدیث.
- نجفی، ز و حیاتی، د (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد تشکل های آب بران از دیدگاه اعضاء مورد مطالعه اتحادیه تشکل های آب بران کانال اردیبهشت درودزن فارس، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۸ شماره ۱، ص ۸۵-۷۳.
- نوروزی، مرضیه، حیاتی، داریوش، ۱۳۹۴، سازه های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۱، شماره ۱، ۱۳۹۴.
- بدری، سیدعلی، نامدار، محبوبه، ایزدی، حسن، ۱۳۸۸، فعالیت های اقتصادی خاص و آثار آن بر اقتصاد روستایی (مورد: کمباین داری در استان فارس)، مدرس علوم انسانی - برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹.
- طاهرخوانی، مهدی، (۱۳۷۹)، صنعتی شدن روستا، وزارت جهاد کشاورزی.



- قاسمی، مریم، جوان، جعفر، شایان، حمید، نوغانی، محسن، ۱۳۹۰، پایدارسازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد با تأکید بر رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره شانزدهم.
- جوان، جعفر، علوی زاده، سیدامیرمحمد، کرمانی، مهدی، ۱۳۹۰، نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم)، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۰.
- نجفی قرقانی، زیبا و حیاتی، داریوش، ۱۳۹۱، ارزیابی عملکرد تشکلهای آبران از دیدگاه اعضاء: مورد مطالعه اتحادیه تشکلهای آبران کانال اردیبهشت درودزن فارس، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۸، شماره ۱، صص ۷۳-۸۵.
- سجاسی قیداری، حمداله، صادقلو، طاهره، شکوری فرد، اسماعیل، ۱۳۹۴، سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تابباد)، مجله‌ی پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۵، شماره-۱، بهار ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۳، صص ۱۹۷-۲۱۶.
- ریاحی، وحید، نوری، آذر، تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی و پایداری روستاها (مورد: شهرستان خرمدره)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، پیاپی ۱۰، صص ۱۲۸-۱۱۳.
- جوان، جعفر، علوی‌زاده، سیدامیرمحمد، کرمانی، مهدی، ۱۳۹۰، نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم)، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۰.
- جوان، جعفر، حیدری مکرر، حمید، ۱۳۹۰، نقش چاهک‌ها در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی (مطالعه موردی شهرستان زهک)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صفحات ۴۹-۶۶.
- عینالی، جمشید، ۱۳۹۳، ارزیابی نقش گردشگری خانه‌های دوم در تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی (مطالعه موردی دهستان حصار ولیعصر در شهرستان آوج)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره پنجم.
- جمعه‌پور، محمود، احمدی، شکوفه، ۱۳۹۰، تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستای برغان، شهرستان ساوجبلاغ)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره یکم، بهار ۹۰، صص ۳۳-۶۳.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، قدیری معصوم، مجتبی، رضوانی، محمدرضا، نظری، عبدالحمید، ۱۳۹۰، تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا) پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۷-۸۳.
- سلمانی، محمد، رضوانی، محمدرضا، پورطاهر، مهدی، ویسی، فرزاد، ۱۳۹۰، نقش مهاجرت فصلی نیروی کار در معیشت خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سروآباد استان کردستان) پژوهش‌های جغرافیای انسانی، (۷۷): ۱۲۷-۱۱۱.
- جمعه‌پور، محمود، کیومرث، نرجس، ۱۳۹۱، بررسی اثرات گردشگری بر دارایی‌ها و فعالیت‌های معیشتی مردم در چارچوب معیشت پایدار گردشگری (مطالعه موردی: روستای زیارت)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هفتم، شماره ۱۷، بهار ۹۱، صص ۸۷-۱۱۹.
- Mayser, Ch. 2003. The Status of Ecological Diversity in Sustainable Development. Translated by koochehi. A., Ferdowsi University of Mashhad.
- Santos. Paulo and Barrett. Christopher. B.(2010). «Identity, Interest and Information Search in a Dynamic Rural Economy.»World Development. Vol. 38, No. 12, pp. 1788-1796.
- Shen, F., 2009, Tourism and Sustainable Livelihoods Approach: Application within the Chinese context, Ph.D. thesis, Lincoln university.
- Serrat, O., 2008, The Sustainable Livelihoods Approach, Manila: ADB.
- Udayakumara. E. P. N , Shrestha. R. P. 2010, Assessing livelihood for improvement: samanalawewa reservoir environs, srilanka. International journal of sustainable Development and world Ecology, 18(4): 366.376.
- Economist, Global Perspective Studies Unit, Office of the Assistant:1997 -2007.
- Helmor,C,and Sing N.(2001). Sustainable Livelihood:Building on the wealth of the poor. Bloomfield: Kumarin press.
- Singh.P.K,and Hiremath,B.N.(2010). Sustainable livelihood security index in a developing country.A tool for developing planninh. Ecological Indicator,10,442-451.